روزنه

نامه سرگشاده رحمت‌الله بیگدلی و اکبر اعلمی به شورای نگهبان و رئیس قوه قضائیه

● **شرق:** اکبر اعلمی، حقوق‌دان و نماینده ادوار مجلس و رحمت‌الله بیگدلی، مدرس حوزه و دانشگاه، در نامه‌ای سرگشاده به اعضای شورای نگهبان و رئیس قوه قضائیه اعلام آمادگی کردند صدها سند فساد و تخلف مالی را در اختیار شورای نگهبان و قوه قضائیه قرار دهند.در این نامه آمده است: آقای «نجات‌الله ابراهیمیان»، عضو حقوق‌دان شورای نگهبان، پیش از این در تاریخ ۹۴/۱۱/۱۱ در پاسخ به این پرسش که معنی «التزام عملی به اسلام» چیست، گفته بود: «شخصی ۱۰ فقره چک بلامحل کشیده و وقتی متوجه می‌شویم می‌بینیم طلبکاران پشت خانه او صف کشیده‌اند و این شخص کاندیدای نمایندگی نیز شده است. این یک «عهدشکنی» است. این میزان از عهدشکنی آیا برازنده کسی است که می‌خواهد به مجلس شورای اسلامی رفته و قوانین وفای به عهد را تنظیم و تصویب کند؟!». اگر شورای نگهبان به‌راستی با همین رویکرد و بدون هرگونه تبعیضی صلاحیت همه نامزدهای نمایندگی مجلس و ریاست‌جمهوری را ولو اینکه «وصف کیفری» نداشته و یا داشته، اما به‌دلایلی در هیچ محکمه‌ای هم محکوم نشده باشند، مورد ارزیابی قرار دهد و «عهدشکنان» را رد صلاحیت کند، الحق والانصاف جای تقدیر و تشکر دارد. اینک با درنظرگرفتن همین پیش‌فرض، دو پرسش را با اعضای محترم شورای نگهبان در میان می‌گذاریم و انتظار واکنش مناسب را داریم:یک. ازآنجاکه فرض محال، محال نیست، اگر به‌جای طلبکاران عادی، ده‌ها نماینده شاخص اصولگرای مجلس به‌طور مدلّل، مستند و مکتوب علیه برخی افراد شهادت دهند که آنان برخلاف عهد و پیمانی که با شرکا داشته‌اند مرتکبِ اقدامات زیر شده‌اند، مواجهه شورای محترم نگهبان با چنین عهدشکنانی چگونه خواهد بود؟!۱. به‌منظور توجیه اقدامات خودسرانه خود چند صورت‌جلسه صوری و مخدوش با تاریخ‌های گذشته تهیه و با اکراه از شرکای پروژه امضا گرفته باشند!۲. با استفاده از عناوین غیرواقعی و یا به نام مجلس با برخی دستگاه‌های دولتی مکاتبه و امتیاز گرفته باشند!۳. سند یک ملک مشاع متعلق به صدها نفر را بدون اطلاع و اجازه آنان به‌صورت رسمی به نام خود انتقال داده باشند! ۴. با تهیه مبایعه‌نامه‌های صوری و مخدوش، ده‌ها میلیارد ریال از راه نامشروع تحصیل کرده باشند!۵. ده‌ها آپارتمان متعلق به صدها شریک را بدون اطلاع و اجازه آنها به ثمن بخس به دیگران از جمله خود و بستگانشان واگذار کرده باشند!۶. نه‌تنها برخلاف قوانین و مقررات حدود یک سال از اموال متعلق به صدها شریک در یک محل دیگر استفاده شخصی کرده باشند، بلکه با سوءاستفاده از موقعیت خود از اموال یک نهاد دولتی هم که صدها میلیارد ریال ارزش دارد، به مدت چند سال استفاده کرده باشند!۷. سال‌ها خود و برخی بستگانشان بر اموال صدها شریک استیلا یافته و از حقوق و امتیازات فراوان بهره‌مند شده و بابت هر نقل‌وانتقالی که در این مجتمع مشاعی صورت می‌گیرد، از هریک از فروشندگان؛ ۲.۵ درصد کل معامله پول نامشروع دریافت کرده باشند و همچنان دریافت کنند!۸. با مبایعه‌نامه‌های صوری آپارتمان‌های مازاد متعلق به صدها نفر را ابتدا به قیمت نازل به نام کارگر و خادمان خود ثبت و سپس آن را از طریق همسر به چند برابر به دیگران واگذار و در این میان مبلغ ناچیزی را به حساب شرکا منظور کرده باشند.۹. آگاهانه صدها اوراق جعلی به شهرداری ارائه کرده؛ ... و آخرالامر با وجود ده‌ها واحد املاک و ده‌ها میلیارد ریال دارایی‌های جاری مشاعی تحت تصرف خود، هنوز هم حاضر نباشند با صدها شریکی که از سالیان گذشته همچنان در حال جداشدن از این مجتمع هستند و تکلیف باقی‌مانده حقوقشان مشخص نیست، تسویه‌حساب کنند! با چنین مفروضاتی حکم شورای محترم نگهبان درباره چنین افرادی چیست؟ آیا شورای محترم نگهبان تمایلی برای بررسی عملکرد چنین افرادی، دست‌کم در حد سرکشی به محلاتِ «بدهکارانِ چک‌برگشته» دارد!؟ در همین ارتباط و با همین مفروضات آیا رئیس محترم قوه قضائیه هم حاضرند تنها یک بار گروهی از افراد مورد وثوق خود را مأمور استماع و بررسی صحت‌وسقم چنین حکایتی کنند تا گزارش آن را همراه با تأیید افراد مستقل به ایشان ارائه دهند؟دو. همچنین اگر حدود ۷۰ نماینده حال و گذشته مجلس به موجب وکالت‌نامه‌های رسمی دادگستری و صورت‌جلسه‌ای که در مجلس امضا کرده‌اند و براساس آن متعهد شده‌اند، حق‌الوکاله وکلای خود و کل هزینه‌های دادرسی و کارشناسی را بپردازند، پس از شش سال پیگیری مداوم پرونده‌هایشان توسط وکلا و بعد از آنکه مرکبشان از پل گذشت، به هیچ‌یک از تعهدات قانونی و شرعی خود عمل نکنند، تکلیف چیست؟ آیا این افراد با این میزان از عهدشکنی می‌توانند نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی باشند و در خانه ملت قوانین وفای به عهد تنظیم و تصویب کنند؟!.

اکنون اگر نویسندگان این نامه و ناقلان چنین حکایاتی برای نشان‌دادن حسن نیت خود و اثبات تخیلی‌نبودن مفروضاتشان، پیشاپیش متعهد شوند و سوگند یاد کنند که در صورت اثبات‌نشدن ادعاهایشان نزد هیئتی از کارشناسان مستقل و مورد وثوق شورای محترم نگهبان و رئیس محترم قوه قضائیه، ضمن عذرخواهی رسمی، لباس رسمی و حقوقی خویش را از تن خارج و عطای سیاست و وکالت را به لقایش خواهند بخشید، چطور!؟ ما آماده‌ایم که صدها سند فساد و تخلف مالی را در اختیار شورای نگهبان و قوه قضائیه بگذاریم.

گفت‌وگو با علی هاشمی درباره بهنگامی و نابهنگامی تصمیمات ملی

اکنون چه باید کرد؟

عکس: روح‌الله وحدتی، ایسنا

علیرضا غریب‌دوست: موضوع مبارزه با مواد مخدر از آن دست بحث‌هایی است که همواره مردم و مسئولان درگیرش بوده‌اند، زیرا اعتیاد به‌عنوان بحرانی اجتماعی می‌تواند یک جامعه را نابود کند؛ ازاین‌رو همواره از منظرهای مختلف جامعه‌شناسی، سیاست و قانون‌گذاری سعی شده است جلوی گسترش توزیع و مصرف مواد مخدر گرفته شود؛ اما اینکه در این موضوع سیاست‌های اتخاذی بهنگام یا نابهنگام بوده، بحثی است که در گفت‌وگو با علی هاشمی، معاون رئیس‌جمهور در دولت اصلاحات و رئیس پیشین ستاد مبارزه با مواد مخدر، در میان گذاشتیم.

هدف از این مصاحبه این است که نگاه آسیب‌شناسانه و درعین‌حال مبتنی بر تحلیل فرایندها نسبت به بعضی تصمیم‌های کلان در ۴۰ سال گذشته جمهوری اسلامی داشته باشیم. حرف اصلی ما این است که ببینیم کدام تصمیم‌ها بهنگام و کدام‌ها نابهنگام بود. باتوجه به اینکه شما تجربیات بسیار مفیدی در حوزه امنیت داشته و سال‌ها مسئولیت مبارزه با مواد مخدر را در دولت اصلاحات داشته‌اید، به انتخاب خودتان از مصادیق به بحث ورود کنیم تا ببینیم کدام‌یک از تصمیم‌ها در ۴۰ سال گذشته خوب و بهنگام بوده و کدام تصمیم را می‌توانستیم با تأمل یا زودتر و دیرتر بگیریم.

اگر کل انقلاب را بتوانیم بی‌طرفانه و علمی وسط بگذاریم و آسیب‌شناسی کنیم که ریشه‌ها چه بود، اهداف و دستاوردهایش چه بوده و صادقانه و واقع‌بینانه ببینیم چقدر از آنها محقق شده یا نشده، یک بحث کلان است؛ اما در عنوان تصمیمات بهنگام و نابهنگام خیلی از موضوعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی را می‌توان طرح کرد. نمی‌خواهم وارد جزئیات این بحث شوم. می‌خواهم براساس مصادیق کاری که خودم درگیر بوده‌ام و در دهه اخیر به‌عنوان رئیس کمیته مستقل مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام ایفای وظیفه کرده‌ام، وارد بحث شوم. در حوزه مواد مخدر، بحث بسیار جدی است؛ بنابراین لازم است مقدمه کوتاهی را ذکر کنم. سازمان ملل براساس تعریفی که از معضلات دنیا دارد، نشان داده است که چالش‌ها و مشکلات بسیار زیادی در جهان وجود دارد. مشکلات براساس چهار بحران تقسیم‌بندی شده و برای آنها برنامه‌ریزی انجام شده است. این چهار بحران شامل کشور ما هم می‌شود، بحران‌های مواد مخدر، بحران هسته‌ای و اتمی، فقر اقتصادی و بحران زیست‌محیطی شامل این چهار مورد می‌شوند. در بعضی از صحبت‌ها اشاره می‌کردم که درباره ایران بحران هسته‌ای را خیلی پررنگ می‌کردند، درصورتی‌که از نظر من در سطح جهانی بحران مواد مخدر در اولویت است. درباره بحران هسته‌ای و اتمی این نگرانی وجود دارد که روزی یک انفجار بزرگ رخ دهد؛ اما مواد مخدر هر روز جان هزاران انسان را می‌گیرد. هر روز معتادانی را می‌بینیم که کارتن‌خواب هستند. ما به‌جای آنکه تصمیم‌هایی بگیریم تا بحران اعتیاد کاهش یابد، به خراب‌ترکردن اوضاع پرداخته‌ایم.

مثلا در آغاز انقلاب حتی بحث شلاق‌زدن معتادان را هم داشتیم. برخی از حاکمان شرع آغازین انقلاب با حجم بسیار پایین مواد مخدر، احکام سنگین صادر کردند؛ بنابراین جمهوری اسلامی از آغاز با مقوله مواد مخدر خیلی جدی برخورد کرده است. به نظرتان برخورد قاطع و بدون اغماض مثل برخوردهایی که آقای خلخالی با مصرف‌کنندگان مواد مخدر داشتند، بهنگام نبود؟

الان که نگاه می‌کنیم از یک زاویه می‌توانیم بگوییم که محکم برخورد می‌کردیم، اما این را هم در نظر داشته باشیم که تصمیم‌های جامعی در آن مقطع گرفته نشد، زیرا مواد مخدر در سطح دنیا و در کشور ما موضوعی فرابخشی است؛ یعنی ابعاد مختلف و علل مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، داخلی و خارجی دارد؛ به‌همین‌دلیل اگر قرار است برخورد شود باید هم‌زمان برخوردی که منسجم و اجتماعی و اقتصادی باشد، انجام شود، منظورم مقابله اقتصادی نیست، اما تصمیمی که اول انقلاب گرفته شده، تصمیمی بوده که به اعتقاد من نتیجه‌اش بسیار منفی بوده است. یک شاخص مشخص‌تر را باز می‌کنم. براساس قانون قبلی مواد مخدر، به معتادان تریاک خالص داده می‌شد تا آنکه در شهریور ۱۳۵۹ این کار متوقف شد. نه‌تنها توزیع را متوقف کردند، بلکه شورای انقلاب تصمیم گرفت ۳۵ هزار هکتار زمین کشت خشخاش را معدوم کند.

از ۱۲ فروردین ۵۸ تا فرایند قانون‌گذاری و نظام قانون‌گذاری جدید برای جمهوری اسلامی که دولت اول مستقر می‌شود، دو سال طول می‌کشد. هشت سال بعد هم که درگیر جنگ بودیم و مملکت شبانه‌روز درگیر مسائل بسیار حاد دشمن خارجی بود. می‌توانیم توجیه کنیم که از تدابیر مناسبی نداشتیم. همیشه در تحلیل‌هایم به ۱۰ سال اول انقلاب با اغماض نگاه می‌کنم، گرچه برخی اتفاقات تلخ و برخی اتفاقات بسیار شیرین در آن ۱۰ سال رخ داده؛ اما مایلم به‌عنوان تحلیلگری که منطقی به مسائل نگاه می‌کند، حق بدهم تا دو سال اول، نظام جدید در حال استقرار بود و هنوز نمی‌دانست چه کار می‌خواهد بکند و مدیران ما هم تجربه مدیریت سیاسی کشورداری را نداشتند و در هشت سال دوم هم هدف فقط حفظ سرزمین بود. به سال ۶۸ برویم که دوره ریاست‌جمهوری آقای رفسنجانی بود و قانون تشدید مجازات مرتکبین مواد مخدر که مصوب سال ۷۱ بود؛ در دوره آقای رفسنجانی مصوباتی در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حوزه مواد مخدر داشتیم.

همین تصمیم مبنی بر اینکه کشت خشخاش، نابهنگام بود. به آقای هاشمی در سه، چهار سال آخر به‌صراحت گفتم که این تصمیم بر مبنای دو اتفاق بود؛ نبود تسلط تصمیم‌گیران یعنی طی‌نشدن فرایند تصمیم‌سازی، اهداف و منافع جدی که مافیای مواد مخدر داشت. یک بند قانون خیلی گویا و شفاف است. اگر به قانون اجازه کشت خشخاش به‌دقت نگاه می‌کردیم، آن کار را نمی‌کردیم. ماده یک این قانون در سال ۱۳۴۷ می‌گوید: «از تاریخ تصویب این قانون تا زمانی که کشت خشخاش در کشورهای همسایه ایران ادامه داشته باشد، وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی مجاز خواهد بود در مناطق و به مساحتی که هرساله با تصویب هیئت وزیران تعیین می‌شود (که آخرینش ۳۵ هزار هکتار بود) به کشت خشخاش مبادرت کند. دولت مکلف است در صورت اطمینان از اینکه کشت خشخاش در کشورهای همسایه متوقف شده، کشت آن را در ایران متوقف کند». واقعیت این است که بحث مواد مخدر جریان رفت‌وبرگشت جهانی و منطقه‌ای دارد و این‌طور نیست که مربوط به ایران باشد. نابودی کشت خشخاش هزینه سنگینی به کشور تحمیل کرد.

هنوز هم معتقد هستید تصمیم سال ۵۹ متأثر از مافیای مواد مخدر و مبتنی بر ناآگاهی مدیران بود؟

قطعا. از نظر ما ناآگاهانه و از نظر کسانی که پیگیر بودند، صددرصد آگاهانه.

هیچ‌وقت در دورانی که در حوزه امنیت فعالیت داشتید، این را رصد کردید که بدانید واقعا چه بوده؟

متأسفانه خیر. می‌تواند به‌عنوان پروژه تعریف شود. زمان من برای اولین بار به دلیل ارتباطی که با دوستانمان داشتیم، دنبال این بودیم که اسناد ساواک را درباره مواد مخدر دربیاوریم که در حد یک جلد این کار را کردیم و می‌توانست تا ۲۰ جلد ادامه داشته باشد. یکی از تصمیماتی که نگرفتیم، اطلاعاتی است که الان در مرکز اسناد ساواک وجود دارد و بسیار قیمتی است و همان‌جا مانده است. کسی نیست تصمیم بگیرد. اگر کسی بگوید همه می‌گویند خوب است، این کار را بکنید.

ساواک با مواد مخدر برخورد نمی‌کرد؟

چرا می‌کرد.

برخی خاندان پهلوی را در حمایت از باندهای مواد مخدر ذی‌نقش می‌دانند؛ ازجمله اشرف پهلوی را و می‌گویند مافیای مواد مخدر را او سامان می‌داد. بدون ورود به اینکه این بحث صحت دارد یا نه، بالاخره کشور سازمان اطلاعات امنیت داشته. آیا واقعا با مواد مخدر برخورد نمی‌کرد؟

اتفاقا یک جلد کتابی که چاپ کردیم، حاوی اسناد ارزشمندی است؛ ازجمله مافیای مواد مخدر که دست باند اشرف بود؛ اما در کنار این فراموش نکنیم که با مکانیسم زمان شاه در مدت ۱۰ سال یعنی از ۴۷ تا ۵۷ حدودا ۱۱۲ هزار کیلو کشفیات مواد مخدر صورت گرفت که در جدولی که وجود دارد، مشخص است چه میزان تریاک و شیره و هروئین است و حدود ۱۱۲ هزار نفر هم دستگیر شدند. دستگیری‌های ما هم تقریبا با همین میانگین است. عملکرد ۱۰ سال رژیم شاه شاید به اندازه سه ماه ما در زمان جمهوری اسلامی نباشد. شاه دو راهبرد داشت. در برخورد با مواد مخدر عرضه و تقاضا مطرح است. در مقابل عرضه، به نظرم پخته‌تر عمل کرد. مواد مخدر در داخل که در انحصار خودشان بود. ۱۰ یا ۲۰ درصد هم که قاچاق می‌شد. در حوزه خارجی نیز سعی بر این بود که عمده مواد مخدر از طریق ترانزیت و به وسیله باند اشرف به اروپا فرستاده شود تا وارد ایران نشود. این موضوع یک استراتژی بود. مهم بود.

بنابراین هم در بخش ترانزیت مواد مخدر و هم توزیع در داخل کشور برخورد می‌شد؟

بله، با همه مواد مخدر ترانزیتی و غیرترانزیتی برخورد کردیم.

با همه هزینه‌هایی که برخورد با ترانزیت مواد مخدر بر ایران تحمیل کرده است؛ اما شاهدیم اتحادیه اروپا و سازمان ملل در این زمینه برای پرداخت سهم خود از هزینه‌ها نقش پررنگی نداشته‌اند!

تا یکی، دو سال قبل حدود ۱۴۰ هزار تُن تریاک خالص (در طول ۴۰ سال گذشته) در افغانستان تولید شده است. کشفیات ما به طور میانگین سالانه ۱۰.۵ درصد است؛ یعنی ۱۴، ۱۵ هزار تُن با تمام هزینه‌ها و مبارزات کشف کرده‌ایم. در ۴۰ سال گذشته، چهار هزار شهید، ۱۴، ۱۵ هزار مجروح و جانباز، میلیاردها میلیارد هزینه مالی و ۳۴ هزار درگیری مسلحانه با باندهای مواد مخدری داشته‌ایم و نتیجه تمام اینها ۱۰ درصد کشفیات شده که اجازه نداده‌ایم به دست مصرف‌کننده‌ها برسد. تصمیم ما نه‌تنها تصمیم بهنگامی نبود؛ بلکه عامل تخریب خیلی از کارها بود. با اطلاعاتی که درحال‌حاضر داریم، اگر امروز قرار بر تصمیم‌گیری باشد، یقینا مجوز کشت خشخاش را حفظ می‌کردم؛ چون مجوزی استراتژیک بود و به هفت، هشت کشور بیشتر این مجوز را ندادند. مجوزش از انرژی اتمی بالاتر است.

چندی پیش آقای جهرمی، وزیر ارتباطات، یک زمین کشاورزی را که در آن خشخاش کشت می‌شد، معرفی کرد و بعد از تکذیب این خبر از سوی فرماندهان ارشد نیروی انتظامی مدارک این ادعا را در اختیار پلیس گذاشتند. آیا این اتفاقات در راستای کاشت قانونمند خشخاش نبود؟

خیر، اصلا. زمان شاه دو راهبرد برای عرضه داشتند. سعی کردند دو سیاست اعمال کنند. سیاست اصلی ترانزیت بود که سودهای کلان در بر داشت و دوم سیاست تبلیغاتی بود. باندهای کوچک را می‌زدند و رقبای اشرف را قلع و قمع می‌کردند و همان کشفیات و دستگیری‌هایی که داشتند بیشتر تبلیغاتی و عملیات روانی برای مافیای داخلی خودشان بود. اما در مورد تقاضا، خیلی عاقلانه عمل می‌کردند. این تجربه مربوط به قبل از انقلاب است و وقتی شروع کردیم از این تجربه استفاده نکردیم. درباره معتادان قدیمی‌تر و مسن‌تر مخصوصا درباره مواد افیونی شامل تریاک و شیره، مصوب کرد که به‌طور منظم و خالص دریافت کنند که مرگ‌ومیر و آلودگی نداشته باشند و از مافیا هم نگیرند که آسیب آلودگی بچه‌ها و رواج قاچاق را درپی داشت. این تصمیم خیلی عاقلانه و پخته بود. حتی برایشان بیمارستان درست کردند؛ خیلی حرف است. اولین کاری که ما بعد از انقلاب کردیم این بود که این بیمارستان را تعطیل و تصویب کردیم معتادان یا پاک شوند یا به اردوگاه‌ها بروند.

آیا سال ۵۹ مبارزه با مواد مخدر متولی مشخصی نداشت؟

تصور می‌کنم بیشتر کارها دست کمیته انقلاب اسلامی بود. کار تشکیلاتی و رسمی قبل از دوره سازندگی بود و اتفاق بزرگی در زمان نخست‌وزیری مهندس موسوی افتاد. امام با نگاه بسیار انسانی و مطابق حقوق شهروندی، اول انقلاب سال ۵۸ یک جمله طلایی می‌گویند: نجات معتاد نجات یک فرد نیست، نجات یک جامعه است و حتی نجات اسلام است. امام قوی‌ترین تحلیل را درباره انسان داده‌اند. با وجود این، مسیر همان سختگیری‌ها و شلاق بود.

یعنی مسیر سلبی بود!

بله. امام(ره) تصمیم راهبردی دادند و چون جنگ بر ما تحمیل شد، نمی‌توانستیم دو کار بزرگ هم‌زمان داشته باشیم. امام(ره) اواخر سال ۶۷ سران سه قوه را احضار کردند (در خاطرات آقای هاشمی هم هست)، امام می‌فرمایند: شما موظف‌اید بعد از ختم جنگ، اولویت اصلی کشور حل معضل مواد مخدر باشد؛ یعنی به اندازه جنگ برای این کار اهمیت قائل بودند.

آیا دوره نخست‌وزیری آقای موسوی ستاد مبارزه با مواد مخدر را تشکیل دادیم؟

امام که این فرمایش را بیان کردند مسئولان وقت فکر کردند چه باید انجام شود. تا آن زمان (سال ۶۷) ساختار منظمی نداشتیم. در کمیته کارهایی انجام می‌شد، وزارت اطلاعات هم غیرمنسجم عمل می‌کرد.

ولی ما قاچاقچی مواد مخدر را اعدام می‌کردیم. مبتنی بر چه چیزی؟ قانونی نداشتیم؟

چرا داشتیم.

یعنی بعد از انقلاب بخشی از قانون مبارزه با مواد مخدر را اصلاح کرده و بخشی را استفاده کردیم، اما تا سال ۶۷ متولی‌ای برایش نداشتیم.

متولی مرکزی و ملی نداشتیم.

در حقیقت حاکم شرع و قوه قضائیه خودش را مسئول برخورد می‌دانست.

دقیقا. معتادان را به اردوگاه‌های سخت کار می‌بردند. سال ۶۷ پیرو فرمایش امام اتفاق بزرگی افتاد و مجمع تشخیص متولی این امر شد.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **سازمان میادین و میوه‌وتره‌بار رسیدگی کند:** یکشنبه، نوزدهم خرداد، ساعت ۱۹:۳۰ به مدت نیم‌ساعت در فروشگاه وابسته به سازمان میادین میوه‌وتره‌بار شهرداری منطقه ۱۴ تهران، واقع در خیابان پیروزی، خیابان شکوفه بودیم. در حیاط فروشگاه شکر توزیع می‌کردند، چون دو نفر بودیم، سهمیه دو نفر را درون یک پلاستیک نازک ریختند و تحویل ما دادند. به دلیل اینکه صف طولانی و مسئول توزیع شکر سرش شلوغ بود، به قسمت میوه‌فروشی برای تهیه پلاستیک رفتیم. مسئول غرفه‌ها با حالت زننده‌ای دنبال ما آمد و گفت ۲۰۰ تومان بابت پلاستیک بدهید! ضمن اینکه در غرفه مواد غذایی این مرکز به مشتریان رسید کاغذی تحویل نمی‌دهند. از مسئولان سازمان میادین میوه‌وتره‌بار شهرداری تهران تقاضای رسیدگی به برخورد زننده مسئول غرفه‌های میوه‌وتره‌بار و تخلف در ارائه‌ندادن برگه کاغذی غرفه مواد غذایی را داریم. همچنین پیشنهاد می‌شود برای اینکه مشتریان به راحتی بتوانند از افرادی که ناراضی‌اند شکایت یا پیگیری کنند، تمامی کارکنان فروشگاه‌ها را ملزم به نصب اتیکت نام و نشانی یا کد شناسایی کنند.

یک مخاطب

● **جمع‌آوی اتوبوس‌های شرکت واحد چه توجیهی دارد؟** جمع‌آوری اتوبوس‌های میدان امام خمینی (ره) ـ میدان قدس، باعث شده مسافرانی که قصد پیاده یا سوارشدن در بزرگراه مدرس را دارند، مشکلات فراوانی را تحمل کنند. هدف از جمع‌آوری اتوبوس‌ها برای رفاه مسافران یا به‌زحمت‌انداختن آنهاست و شرکت واحد اتوبوس‌رانی چه توجیهی برای این کار دارد؟

نیلوفر از تهران

● **مسئولان گرگان درباره «اِلمان» اطلاع‌رسانی کنند:** مدت‌هاست در میدان بسیج گرگان «اِلمان» ساخته شده، اما هیچ استفاده‌ای از آن نمی‌شود. علت بلااستفاده‌ماندن المان شهری در شهر گرگان چیست و چرا مسئولان برای راه‌اندازی و استفاده بهینه از این محل کاری انجام نمی‌دهند؟

مسئول سایت گلستان خبر

● **حذف قبض‌های کاغذی چاره کار نیست:** عدم صدور قبض‌های کاغذی آب، برق، گاز و تلفن برای خانواده‌هایی که تلفن همراه ندارند و بی‌سوادند، مشکل‌ساز شده است. برخی مسئولان تصمیم‌هایی می‌گیرند و آن را به مرحله اجرا می‌گذارند که به‌جای راحتی، موجب ناراحتی و نارضایتی و ایجاد دردسر برای بی‌سوادها و سالمندان است.

یک مخاطب

LEON

Since 1960

مجموعه رستوران های لئون

شعبه آبان جنوبی
کریمخان زند، آبان جنوبی
نبش کوچه ورشو
۸۸۹۰۴۶۲۵

شعبه پاسداران
پاسداران، بهستان هشتم
پلاک ۱، برج آبتین، طبقه ۷
۲۲۷۹۱۲۱۹

شعبه سام سنتر
فرشته (فیاضی)
مرکز خرید سام سنتر، طبقه ۸
۲۲۶۵۳۸۴۱

لئون کافه
بزرگراه کردستان
مجتمع آ.اس.پ، پلاک ۳۹
۸۸۶۱۴۹۹۹

www.leon1960.com
/leon.1960